

جایگاه زن در اسلام از منظر آیات و روایات

مهدیه سادات اسدی^۱

زهره مختاری

چکیده

جایگاه زن در خانواده مهمترین جایگاه است. تبیین جایگاه ویژه ی زن در خانواده و اجتماع برای بالا بردن کرامت انسانی زن الزامی است. مقاله به روش تحلیلی توصیفی با استفاده از متون اسلامی نوشته شده است و در این تحقیق از آیات و روایات و تفاسیر بهره گرفته شده است. زن در جایگاه همسری نقش آرامش بخشی دارد. در پیشگاه خداوند متعال زن و مرد جایگاه یکسان دارند. در قرآن کریم ملاک برتری انسان ها تقوی معرفی شده است. مادر از مقام بسیار والایی برخوردار است تا آنجا بهشت را زیر پای او می دانند. حضور زن در اجتماع با رعایت عفت ضروری است. نقش تاریخی زن در اسلام چنان قابل اهمیت است که نمی توان آنرا نادیده گرفت.

کلیدواژه

جایگاه؛ همسر؛ ازدواج؛ مودت؛ رحمت؛ آرامش

^۱ طلبه حوزه علمیه فاطمیه اشکذر، yamahdi۶۴@

مقدمه

اسلام برای زنان به عنوان اعضای اساسی جامعه و خانواده احترام ویژه قائل است و برابری زن و مرد را تایید می‌کند و برای آن دو حقوق مساوی در نظر گرفته است. اسلام حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان را تضمین می‌کند. زن در جامعه اسلامی نقشی اساسی و مهم دارد. امام خمینی رحمه الله علیه در این باره می‌فرماید: «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد زن مظهر تحقق آمال بشر است.»

بررسی جایگاه زن در اسلام از این جهت قابل اهمیت است که امروزه زنان قدر و منزلت خود را نادیده گرفته و با دین‌گریزی و بی‌عفتی خود را به عنوان کالا در جامعه عرضه میکنند که این عمل باعث فقدان نجابت و کرامت انسانی آنها میشود.

در مقاله‌ی نقش و جایگاه زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه اسلام و قرآن به نویسندگی ملیحه جعفریان اصل و بهروز جعفریان اصل که در سال ۱۴۰۱ در پنجمین همایش بین‌المللی روانشناسی و امور تربیتی و مطالعات اجتماعی انتشار پیدا کرده است با روش کتابخانه‌ای و پیمایشی به کنکاشی درباره‌ی نقش زن در استحکام بنیان خانواده ضمن داشتن فعالیت‌های اجتماعی و سازنده می‌پردازد.

در مقاله زن در اسلام به نویسندگی محمدجوادبارانی، رضا سوسرایی، عرفان توسلی و سیدحسن علمدارمقدم که در سال ۱۴۰۱ در هفتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار منتشر شده است. ضمن بررسی نوع نگرش اسلام به شخصیت زن در قرآن و روایت‌های اهل بیت (ع)، به احیای شخصیت زنان در اسلام و نمونه‌هایی از اقداماتی که اسلام برای احیا و استیفای حقوق زنان انجام داده است پرداخته شده است. در مقاله‌ی پیش رو به بیان جایگاه زن در اسلام و تساوی حقوق زن و مرد و جایگاه اجتماعی زنان پرداخته شده است.

در این مقاله ابتدا به جایگاه خانوادگی زن در مقام همسری و مادری پرداخته شده و بعد برابری حقوق زن و مرد بررسی شده و در پایان به جایگاه اجتماعی زن و نقش تاریخی او پرداخته شده است.

مطالب این مقاله از روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از متون اسلامی گردآوری شده است.

مفهوم شناسی

معنای لغوی رحمت

[اسم][فارسی]- مأخوذ از تازی-بخشایش و مهربانی و مرحمت و شفقت و عفو و مغفرت و آمرزش و باران و آمرزیدن.

(فرهنگ نفیسی، ج ۳، ص ۱۶۴۰)

رحمت در اصطلاح

-به فتح اول و میم، در لغت به معنای مهربانی است و رقت دل است و انعطافی که اقتضای تفضل و احسان کند و آن از کیفیات تابعه مزاج است که خدای تعالی از آن منزّه است. بعضی از محققان گفته‌اند: «رحمت» از صفات ذات است و آن عبارت است از رسانیدن خیر و دفع شر و خدای تعالی رحمان و رحیم است. چه اراده او ازلی است و از ازل اراده انعام بر بندگان مؤمن فرموده است و دیگران گفته‌اند: رحمت از جمله صفات است و آن عبارت است از رسانیدن خیر و دفع شر و نسبت آن به خدای تعالی از جهت عطای او است به بنده‌ای که استحقاق ثواب و دفع عقاب داشته باشد. رحمت بر دو قسم است: ۱- رحمت امتنانیه، لطف خاصان است که بنده را از اختلاف عقیده مصون می‌دارد. به خلاف رحمت خلقیه، رحمتی است که همه چیز را فرا گرفته است. ۲- رحمت وجوبیه، عبارت است از همان رحمت موعودی که مخصوص پرهیزکاران و نیکوکاران است. چنانکه خدای تعالی فرمود: «فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» (اعراف ۷/۶۵۱) اما در مثنوی، رحمت حق، عام است و همه موجودات خاصه انسان در هر مقام و مرتبه‌ای که باشد از آن برخوردار است. به همین جهت نومیدی را مردود می‌شمارد و چنین گوید: انبیاء گفتند نومیدی بد است فضل و رحمت‌های باری بی‌حد است از چنین محسن نشاید ناامید دست در فتراک این رحمت زنید رحمت بی‌حد روانه هر زمان خفته‌اید از درک آن ای مردمان از نظر ابن عربی، رحمت صفتی است از صفات الهیه و آن يك حقیقت است اما به این اعتبار که مقتضای او گاهی اسماء ذات است و گاهی اسماء صفات که منقسم می‌شود به ذاتیه و صفاتیّه و هریکی از این دو قسم عامه است و خاصه و به اعتبارات دیگر متفرع می‌شود تا به صد رحمت مرتقی گردد. کما اشار الیه رسول الله: ان لله مائة رحمة اعطی واحدة منها لاهل الدنيا و آخر تسعة و تسعين الى الآخرة یرحم بها عباده.

(فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی، ج ۱، ص ۳۰۱)

معنای لغوی بیعت

[اسم][فارسی]- مأخوذ از تازی- عهد و پیمان.

(فرهنگ نفیسی، ج ۱، ص ۶۸۹)

بیعت در اصطلاح

بیعت عبارت از تسلیم مرید به شیخ کامل است یعنی دستورات شیخ را به طور کامل اجرا کند. در حدیث است که با حضرت رسول (ص) هفت مرتبه بیعت کردند: پنج بیعت برای طاعت و دو بیعت برای محبت. این بیعت‌های هفتگانه به ازاء اطوار هفتگانه قلب است. (نک: شیخ، قطب، مرید)

(فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ج ۱، ص ۲۰۷)

۱- جایگاه خانوادگی _ همسری

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

روم/سوره ۳۰، آیه ۲۱

«و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند!»

ترجمه مکارم، ناصر مکارم شیرازی

یاد خداوند مایه‌ی آرامش دل و روح است، «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» و همسر مایه‌ی آرامش جسم و روان. «أَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا» آفرینش، هدفدار است. «خَلَقَ لَكُمْ» زن و مرد از يك جنس هستند. برخلاف پاره‌ی عقاید خرافی و تحقیرآمیز که زن را موجودی پست‌تر یا از جنس دیگر می‌پندارند. «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» همسر باید عامل آرامش باشد نه مایه‌ی تشنج و اضطراب. «لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا» هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه‌ی جنسی نیست، بلکه رسیدن به يك آرامش جسمی و روانی است. «لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا» نقش همسر، آرام بخشی است. «لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا» محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی‌آید. «جَعَلَ» مودت و رحمت، هدیه‌ی خدا به عروس و داماد است. هرکس با هر عملی که آرامش و مودت و رحمت خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج و در خط شیطان است. جَعَلَ بَيْنَكُمْ... رابطه‌ی زن و مرد، باید براساس مودت و رحمت باشد. «مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» مودت و رحمت، عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است. مودت و رحمت، هر دو با هم کارساز است. مودت بدون رحمت و خدمت، به سردی کشیده می‌شود و رحمت بدون مودت نیز دوام ندارد. «مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» تنها اهل فکر می‌توانند به نقش سازنده از دواج پی ببرند. «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

تفسیر نور محسن قرآنی جلد ۷ صفحه ۱۸۸

زن در نقش همسری درجه اول مظهر آرامش است چون زندگی پراز تلاطم است. و مرد در این دنیای پراز تلاطم و آشوب مشغول کار و تلاش است و وقتی که به خانه می‌آید نیاز به آرامش دارد که زن این آرامش را در زندگی ایجاد کند. و مایه‌ی آرامش مرد می‌شود.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»

اعراف/سوره ۷، آیه ۱۸۹

«او خدایی است که شما را از يك فرد (جان) آفرید و همسرش را از جنس (نوع) او قرار داد تا در کنار او بیاساید. پس چون با او بیامیخت، باری سبك بر گرفت (و باردار شد) و (مدتی) با وجود آن به کارهای خود ادامه داد، و چون زن سنگین شد، آن دو (زن و شوهر) از خداوند، پروردگارشان، درخواست کرده (و گفتند): که اگر فرزند صالحی به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود.»

ترجمه مکارم، ناصر مکارم شیرازی

گوهر وجودی زن و مرد یکی است. «وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» از دواج و همسر، عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند. «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» اساس زندگی بر انس و الفت است، نه اختلاف و شقاق. «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» مسائل جنسی را با کنایه بیان کنیم. «تَغَشَّاهَا» آمیزش زن و

شوهر باید در پنهانی باشد. «تَعَشَّاهَا» رشد جنین، تدریجی است، تا زن آمادگی داشته باشد. «خَفِيفاً، أَثْقَلْتُ» تا بار انسان سنگین نشود، متوجه مسئولیت خود نمی‌شود. «فَلَمَّا أَثْقَلْتُ دَعَوَا» مشکلات، وسیله‌ای توجه به خدا و پیدایش حالت روحی و معنوی و آماده نمودن دل و وجدان انسان است. مانند زنان باردار که چون از تقدیر الهی بی‌خبرند دائم در اضطراب به سر می‌برند و پذیرای هرگونه موعظه و راهنمایی می‌باشند. پدر و مادر در سرنوشت فرزند، احساس مسئولیت می‌کنند. «دَعَوَا» انسان فطرتاً میل به بقای نسل و فرزند دارد. «أَتَيْنَنَّا» فرزند را از خدا بدانیم، نه از وسائل دیگر یا خودمان. «أَتَيْنَنَّا» آمیزش جنسی تنها برای لذت و شهوت نیست، بلکه برای بقا و دوام نسل صالح است. «صَالِحاً» انسان فطرتاً به دنبال صلاح و اصلاح است، نه بی‌تفاوتی و فساد. «أَتَيْنَنَّا صَالِحاً» و نفرمود: «أَتَيْنَنَّا وَلِداً». برای صلاح و تربیت صحیح فرزند، باید پیش از تولد او اقدام کرد و از خدا استمداد جست. «فَلَمَّا أَثْقَلْتُ دَعَوَا اللَّهُ رَبَّهُمَا لِيُنْزِلَ عَلَيْنَا صَالِحاً» تفسیر نور محسن قرآنی جلد ۳ صفحه ۲۴۰

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ بِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»
نحل/سوره ۱۶، آیه ۷۲

«خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان نوه هایی به وجود آورد و از پاکیزه ها به شما روزی داد آیا به باطل ایمان می آورید و نعمت خدا را انکار می کنید؟!»
ترجمه مکارم، ناصر مکارم شیرازی

آیه مورد بحث با کلمه "اللَّهُ" شروع می‌شود، و بیانگر نعمتهای خداوند است، "خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد" (وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا). همسرانی که هم مایه آرامش روح و جسمند و هم سبب بقاء نسل. لذا بلافاصله اضافه می‌کند "و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد" (وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً). "حفدة" جمع "حافد" در اصل به معنی کسی است که بدون انتظار پاداش، با سرعت همکاری می‌کند، ولی در آیه مورد بحث به عقیده بسیاری از مفسران، منظور نوه‌ها است و بعضی خصوص نوه‌های دختری را گفته‌اند. بعضی دیگر معتقدند که بنون به فرزندان کوچک گفته می‌شود و حفدة به فرزندان بزرگ که می‌توانند کمک و همکاری کنند. و بعضی هر گونه معاون و کمک‌کار را اعم از فرزندان و غیر فرزندان دانسته‌اند. ولی معنی اول یعنی نوه‌ها در اینجا از همه، نزدیکتر به نظر می‌رسد، هر چند "حفدة" در اصل مفهومش چنان که گفتیم، وسیع است. و به هر حال بی شک وجود نیروهای انسانی، همچون فرزندان و نوه‌ها و همسران در اطراف هر کس، نعمت بزرگی برای او است، که هم از نظر معنوی او را حمایت می‌کنند و هم از نظر مادی. سپس می‌فرماید: "خداوند از پاکیزه‌ها به شما روزی داد" (وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ). "طبیات" در اینجا مفهوم وسیعی دارد که هر گونه روزی پاکیزه را شامل می‌شود خواه جنبه مادی داشته باشد یا معنوی، جنبه فردی داشته باشد یا اجتماعی.

تفسیر نمونه ناصر مکارم شیرازی جلد ۱۱ صفحه ۳۱۵

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

«حب الي من الدنيا: النساء والطيب وقرة عيني الصلاة»

وسائل الشيعة ج ۲، ص ۱۴۴ ب ۸۹

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: از دنیای شما برای من دوست داشتنی است: زنان، بوی خوش و نور چشم من نماز است.

«لَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ» ، اجتماعی. «لَا يَأْتِيَنَّ بُهْتَانٍ» حفظ آبروی مردم مهم است و ذره‌ای نباید خدشه‌دار شود. «لَا يَأْتِيَنَّ بُهْتَانٍ» در نظام اسلامی، رهبری محور است و تمام مردم باید مطیع او باشند. «لَا يَعْصِيَنَّكَ» (به جای «لا یعصین الله») اگر منکرات نباشد پیمودن راه معروف آسان است. (منکرات به صورت جداجدا آمده، ولی معروف در يك جمله آمده است.) «لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ» زنان در مسائل عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی در کنار مردان هستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پرتو وحی با آنان رفتار عادلانه داشت. «فَبَايِعْهُنَّ» شرایط بیعت، باید شفاف و متناسب با آسیب‌پذیری بیعت‌کنندگان باشد. (مسئله سرقت، زنا، فرزندکشی، تهمت در خانواده‌های جاهلیت رواج بیشتری داشت). يُبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ ... فَبَايِعْهُنَّ

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور به دعا و استغفار برای کسانی است که با او بیعت نمایند. «وَاِسْتَغْفِرْ لَهُنَّ» توسل به اولیای خدا جایز و دعای آنان مستجاب است و گرنه خداوند فرمان دعا صادر نمی‌کرد. «وَاِسْتَغْفِرْ لَهُنَّ» گرچه اسلام آوردن، کارهای دوران کفر را می‌پوشاند و محو می‌کند ولی باز هم به دعای پیامبر نیاز است. «وَاِسْتَغْفِرْ لَهُنَّ» سوابق بد مردم، مانع دعا به آنان نشود. «وَاِسْتَغْفِرْ لَهُنَّ» رحمت و مغفرت خداوند پشتوانه استجاب دعاهاست. «وَاِسْتَغْفِرْ ... إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

تفسیر نورمحسن قرآنی جلد ۹ صفحه ۵۹۲

بیعت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با زنان آنهم با شرائطی مفید و سازنده که در آیه فوق آمد. این مساله نشان می‌دهد که بر خلاف گفته بیخبران یا مغرضانی که می‌گویند اسلام برای نیمی از جامعه انسانی یعنی زنان، ارزشی قائل نشده و آنها را به حساب نیاورده است، دقیقاً آنها را در مهمترین مسائل به حساب آورده است، از جمله مساله "بیعت" است که يك بار در حدیبیه (در سال ششم هجرت) و يك بار در فتح مکه انجام گرفت، و آنها نیز دوش‌بدوش مردان در این پیمان الهی وارد شدند، و حتی شرائط بیشتری را نسبت به مردان پذیرا گشتند، شرائطی که هویت انسانی زن را زنده می‌کرد، و او را از اینکه تبدیل به متاع بی‌ارزش یا وسیله‌ای برای کامجویی مردان بو الهوس گردد نجات می‌داد.

تفسیر نمونه ناصر مکارم شیرازی جلد ۲۴ صفحه ۴۴

۵- جایگاه اجتماعی -نگاه تاریخی به فعالیت اجتماعی زن

در اسلام زن علاوه بر مسئولیت اداره خانه و تربیت فرزندان که از مهمترین وظایف او است در بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی شریک است و انجام این وظیفه خواه و ناخواه او را به صحنه‌ی اجتماع می‌کشاند. که این نه تنها با حفظ حجاب و عفاف که یکی از وظایف زن است منافات ندارد بلکه باعث بهتر انجام شدن مسئولیت‌های اجتماعی او و حفظ سلامت روانی اش می‌شود. اسلام در هیچ زمینه‌ای سختگیری نکرده است. و در همه شرایط مصالح شخص و اجتماع را در نظر گرفته است.

«یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر»

بقره /سوره ۲، آیه ۱۸۵

«خدا راحتی و آسانی شمارا می‌خواهد نه مشقت شمارا»

ترجمه استاد حسین انصاریان

خداوند در قرآن درباره کیفیت حضور زنان در نزد نامحرم و اجتماع می‌فرماید: «لَا یُذِیْنَنَّ زَیْنَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

نور /سوره ۲۴، آیه ۳۱

زینت خود را بیش از آن مقدار که (انگشت‌و حنا و سرمه، بردست و صورت) پیداست آشکار ننمایند.

زنان با ایمان و متدین در دوران پیامبر و امامان ما نیز در عرصه‌های مختلف اجتماعی فعالیت بسیاری داشتند. زنانی بودند که برای تحقیق و پرس و جو در باره عقاید مذهبی مسافت زیادی را طی می‌کردند تا به خدمت رسول خدا برسند و مسائل خود را عرضه دارند. در مساجد و اماکن عمومی به تدریس و بیان مسائل شرعی می‌پرداختند.

فاضلی بیارجمندی، سیداحمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (علیه‌السلام) انتشارات میثم تمار، قم، ت چ ۱۳۸۱

حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و بعد از رحلت پدر بزرگوارش (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مسئولیت سنگینی را برعهده داشتند ایشان نتوانستند در مقابل بدعت و نوآوری جامعه آن روز آرام و خاموش بنشینند، و برای دفاع از ولایت و اسلام در برابر مهاجرین و انصار در مدینه همراه و یاور همسرشان بودند، ایشان برای اخذ حق خود با عفاف و حجاب کامل در مسجد حاضر شدند و بین زنان و مردان پرده کشیدند.

امین زاده، محمدرضا، جایگاه اخص زن، به نقل از بحارالانوار، ت چ ۱۳۷۲، ص ۲۲۶.
و از پس پرده به سخنرانی مشغول شدند. شخصاً در مساجد و مکان‌های عموم در برابر زنان انصار و مهاجر حاضر شدند و حجت را بر آنان تمام کردند و از آنها یاری می‌طلبید. با همه این‌ها آن حضرت خانه داری و انجام تکالیف منزل را سعادت بزرگی می‌دانستند، زمانی که ابتدای زندگی‌شان پدر بزرگوارشان (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کار را بین او و علی (علیه‌السلام) تقسیم نمودند. حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌فرمایند: تنها خدا می‌داند که چقدر خوشحالم، زیرا پیامبر مرا از پذیرفتن وظایف خارج از منزل و کاری که برای مردان است آزاد و راحت ساخت، اما با این حال هرگاه وظیفه الهی ایشان بود که در جامعه حاضر شوند با اصل عفاف و حجاب کامل وارد جامعه می‌شدند. مثلاً در دوران حضرت علی (علیه‌السلام) مسجد ایشان و مسجد حضرت علی (علیه‌السلام) مشخص و جدا از هم بود که به تبلیغ دین و حدیث می‌پرداختند و حتی زنان جداگانه در آن مسجد بر جنازه‌ها نماز می‌گذاشتند. فاضلی بیارجمندی، سیداحمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (علیه‌السلام) انتشارات میثم تمار قم، ت ۱۳۸۲، ص ۲۷۱.

در اسلام زن، علاوه بر مسئولیت اداره خانه و تربیت فرزندان که از مهمترین وظایف اوست، در بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی با مردان شریک است و انجام این وظیفه خواه و ناخواه او را از حصار خانه به صحنه‌های اجتماعی می‌کشاند، که این نه تنها با حفظ حجاب و عفاف که از وظایف دیگر اوست منافات ندارد بلکه او را در بهتر انجام دادن مسئولیت‌های اجتماعی و سلامت روانی‌اش یاری می‌کند.

فاضلی بیارجمندی، سیداحمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (علیه‌السلام) انتشارات میثم تمار قم، ت ۱۳۸۱، ص ۲، ۲۱۶

نتیجه گیری

زن در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در جامعه امروزی با وجود تبلیغات سوء دشمن و ایجاد شبهات متعدد در رابطه با زن سنتیزی اسلام و اینکه اسلام حقوق زنان را نادیده گرفته و مرد را برتر از زن قرار داده است احساس نیاز بیشتری می شود که زن به ارزش و جایگاه خود پی ببرد. که اگر زن جایگاه خود را بداند و بفهمد که اسلام چه جایگاه ویژه ای برای او در نظر گرفته است دیگر به دنبال مطرح کردن خود با کارهایی از قبیل تن نمایی و تن فروشی نمی رود و در هر جایگاهی که هست نقش خود را به خوبی ایفا می کند.

نقش زن در جایگاه همسری عشق ورزی و آرامش بخشی است.

و همچنین نقش زن در جایگاه مادری از چنان مقام بالایی برخوردار است که رفتن به بهشت درگرو خدمت به مادر است.
مرد از زن برتر نیست و تنها ملاک برتری انسان عمل صالح است. و در قرآن کریم بارها به تساوی زن و مرد اشاره شده است.
جایگاه اجتماعی زن در اسلام جایگاه ویژه ای است و اسلام نه تنها زن را از فعالیت اجتماعی نهی نمی کند بلکه حضور او را در اجتماع با رعایت حجاب و عفاف ضروری می داند.

فهرست منابع

°قرآن

°نهج البلاغه

منابع فارسی

- ۱- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، اسوه، ت چ ۱۳۹۴
- ۲- امین زاده، محمدرضا، جایگاه اخص زن به نقل از بحار الانوار، ت چ ۱۳۷۲
- ۳- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ج ۱، کتابخانه طهوری، ت چ ۱۳۶۲

- ۴- رضایی اصفهانی، محمدعلی و دیگران - تفسیر قرآن مهر ، انتشارات پژوهش های تفسیر، بی تا
 - ۵- سعیدی، گل بابا، فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی ج ۱، انتشارات شفیعی، ت چ ۱۳۸۷
 - ۶- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ج ۲، بیجا، ت چ ۱۳۶۷
 - ۷- شیخ الصدوق، ابوجعفر محمدبن علی ابن بابویه، بی تا، بی جا
 - ۸- فاضلی بیارجمندی، سیداحمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (علیه السلام) انتشارات میثم تمار قم، ت ۱۳۸۲.
 - ۹- قرآنی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ت چ ۱۳۵۳
 - ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، بی جا، بی تا
 - ۱۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۱۰۱، انتشارات اسلامیه، بی تا
 - ۱۲- المتقی الهندی، کنز العمال ج ۱۶، بی جا، بی تا
 - ۱۳- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل ج ۱۵، انتشارات آل البيت، ت چ ۱۳۶۵
 - ۱۴- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، کتابفروشی خیام، ت چ ۱۳۵۵
- منابع مجازی
- ۱- سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «اسلام و جایگاه اجتماعی زن» تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۱۰/۱
 - ۲- سبحانی، علیرضا، سایت خبرگزاری حوزه، پاسخ به شبهات